



رئیس‌جمهور آمریکا روز پنجشنبه از ۶ فرمان اجرایی جهت مقابله با خشونت‌های مسلحانه رونمایی کرد

هر آمریکایی ۱/۲ اسلحه



سید مهدی طالبی روزنامه‌نگار

خشونت‌های مسلحانه در آمریکا مدت‌هاست به خطری بزرگ تبدیل شده است، اما بحث‌ها و جنجال‌های پیرامون این معضل تاکنون راه به جایی نبرده‌اند. این ناگامی در حل معضل، مساله سلاح در آمریکا را نیز به یک شکاف تبدیل کرده است. درحالی‌که بخشی از مردم آمریکا حمل سلاح را حق کامل خود می‌دانند و برخی دیگر به دلیل قتل و کشتارهای صورت گرفته به‌وسیله سلاح‌های گرم همانند تیراندازی‌های کور در مدارس، فروشگاه‌ها و حتی کنسرت‌های موسیقی، مخالف شدید آزادی‌های مرتبط با حمل سلاح هستند. موضوع این شکاف به داشتن حق حمل سلاح و یا نداشتن آن ارتباطی ندارد، بلکه به مطلق بودن یا محدودکردن آن مرتبط است. برخی از اساس حق حمل سلاح را مطلق می‌دانند و از قوانین محدودکننده موجود نیز به شدت ناراضی هستند، ولی در مقابل برخی دیگر خواستار تشدید قوانین محدودکننده‌اند. در فضای سیاسی دموکرات‌ها حزب اصلی گروه خواستار ایجاد محدودیت بوده و در مقابل موافقان حمل سلاح به حزب جمهوری خواه متکی هستند.

جو بایدن، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا روز پنجشنبه ۶ دستور اجرایی برای مقابله با خشونت‌های مسلحانه را اعلام کرد و از کنگره خواست تا این نهاد نیز در جهت مقابله با خشونت‌های مسلحانه گام بردارد. بایدن گفت: «خشونت‌های مسلحانه در آمریکا همچون یک بیماری مسری و مایه شرمساری در سطح بین‌المللی است.»

رئیس‌جمهور آمریکا به آمارهای موجود در این باره پرداخته و اعلام کرد روزانه ۳۱۶ نفر در آمریکا مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند که از میان آنها ۱۰۶ نفر جان خود را از دست می‌دهند. بایدن که کشورش از مشکلات زیادی رنج می‌برد در ادامه تأکید کرد: «پرچم ما هنوز برای قربانیان قتل وحشتناک ۸ آمریکایی-آسیایی در جورجیا نیمه برافراشته بود که ۱۰ نفر دیگر در یک کشتار جمعی در کلرادو کشته شدند.» اشاره بایدن در ابتدای این جمله به اوج گیری نفرت از آسیایی‌ها در آمریکا است. معضلی که کارشناسان دلیل آن را چین‌هراسی شکل گرفته در آمریکا طی سال‌های اخیر می‌دانند. قتل ۸ آسیایی در جورجیا گرچه توسط سلاح گرم صورت گرفته است اما هدف بایدن از اشاره به این جنایت بیان این نکته بود که در آمریکا نفرت‌انگیزی علیه بسیاری از اقلیت‌ها وجود دارد و آزادی حمل سلاح در چنین شرایطی می‌تواند تنها به وخامت‌واضع بینجامد.

رئیس‌جمهور آمریکا در جریان امضای ۶ فرمان اجرایی مقابله با خشونت‌های مسلحانه همچنین گفت: «شاید این رانشینده باشم اما بین این دو حادثه و به فاصله یک هفته بیش از ۸۵۰ تیراندازی دیگر رخ داد که طی آن حدود ۲۵۰ نفر کشته و بیش از ۵۰۰ نفر زخمی شدند. این همه

درگیری باید متوقف شود.» بایدن تأکید کرد: «دلیلی برای نگهداری سلاح‌های جنگی با صدها گلوله در خانه مردم آمریکا وجود ندارد زیرا هیچ شخصی برای زندگی کردن نیازی به سلاح‌های پیشرفته و میزان بالایی گلوله ندارد.» با این وجود فرمان‌های اجرایی صادر شده اصل حق حمل سلاح را دچار خدشه نمی‌کنند و تنها در راستای شناسایی سلاح‌هایی هستند که به «سلاح‌های نامرئی» معروف شده‌اند. سلاح‌های نامرئی آن دسته از تفنگ‌هایی هستند که دست‌ساز بوده و در کارگاه‌های شخصی بدون مجبور ساخته می‌شوند و شماره سریالی برای رهگیری ندارند.

برخی از صاحب‌نظران می‌گویند فرمان‌های اجرایی صادرشده توسط بایدن از کارایی بالایی برخوردار نیستند زیرا سختگیری‌هایی را بر سوابق خریداران و فروشندگان اعمال نکرده و باعث مقابله با فروش سلاح‌هایی که با آنها تیراندازی‌های جمعی صورت گرفته است، نمی‌شوند. منظور از این سلاح‌ها تفنگ‌های اتوماتیک با خشاب‌های چند ده تیری هستند که وزن و اندازه کوچکی دارند. مهاجمان مسلح با استفاده از این تفنگ‌ها به راحتی جمعیت بالایی را زیر گرمبار می‌گیرند و با استفاده از عنصر زمان و غافلگیری جمعیت زیادی را به کام مرگ می‌کشند.

تلفات سلاح‌های گرم در آمریکا

طبق داده‌های Gun Violence Archive تاکنون نزدیک



کاخ ریاست جمهوری این کشور را به آتش کشید. پس از آن نیز حضور بریتانیایی‌ها همچنان در کانادا ادامه داشت. در آن دوران فرانسوی‌ها نیز سرزمین‌هایی به وسعت ۲ میلیون کیلومتر را در قلب کشور آمریکایی امروزی در اختیار داشتند؛ منطقه‌ای که حوزه رود می‌سی‌سی‌پی را دربر می‌گرفت و وسعتی برابر با خاک عربستان سعودی داشت و سه برابر خاک خود فرانسه بود. اسپانیایی‌ها نیز در منطقه جنوب تا غرب دارای نفوذ بودند و ایالت‌های معروفی مانند فلوریدا، تگزاس و کالیفرنیا را در اختیار داشتند. در اوایل تشکیل آمریکا این کشور نمی‌توانست در سایه قدرت دشمنانش و گستردگی جغرافیایی تهدیدات با قدرت نظامی دولتی به این تهدیدات پاسخ دهد، پس همچنان مسلح‌سازی مردم در این کشور شدت گرفت. در سوی دیگر برخی از این مهاجران اقلیت‌های سرکوب‌شده اروپایی بودند که به دلیل ترس تاریخی خود همیشه میل به مسلح شدن داشتند. یکی از این گروه‌ها ایرلندی‌های کاتولیک‌مذهب بودند که سرزمین‌شان در اشغال انگلیسی‌های پروتستان‌مذهب قرار داشت و در جنگ‌های بین این دو گروه غلبه با انگلیسی‌ها بود، به‌گونه‌ای که آنها شورشیان ایرلندی را به صورت عمودی و برعکس در زمین‌های کشاورزی خود فرومی‌بردند تا از شورش‌های آنها انتقام گرفته و مانع از شورش‌های بعدی شوند. همین مساله باعث شد تا تعداد زیادی از آنها راهی آمریکا شوند. درحال حاضر از ۴۰ میلیون جمعیت ۳۲۰ میلیونی آمریکا اجمله خود بایدن، رئیس‌جمهور فعلی این کشور ایرلندی تبار هستند.

سیر تاریخی مهاجرت به آمریکا، حافظه ذهنی-تاریخی مهاجران به این کشور و شرایط جغرافیایی آن به دلیل گستردگی جغرافیایی و جامعه چندتکه باعث شده تا حمل اسلحه در آمریکا جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

متمم دوم قانون اساسی

همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، دولت آمریکا زمانی که از بریتانیا استقلال گرفت و با آن وارد جنگ شد، از داشتن نیروی نظامی منظم محروم بود، چه اینکه در ابتدای کار خود قرار داشت و حتی ساختارهای حکومتی خود را نیز ایجاد نکرده بود. ازسویی در محدوده‌ای بزرگ با تهدیدات نظامی پررنگ بریتانیا و تهدیدات احتمالی اسپانیا و درحدی کمتر فرانسه روبه‌رو بود. بریتانیا از سمت شمال و از سمت سواحلی شرقی، اسپانیایی‌ها از سمت جنوب و فرانسوی‌ها از سمت غرب، کشور آمریکا را احاطه کرده بودند. ۱۵ سال پس از صدور اعلامیه استقلال آمریکا که در سال ۱۷۷۶ منتشر شد، فعالان استقلال آمریکا در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱ متمم را به قانون اساسی آمریکا افزودند که متمم دوم آن با آزادی حمل سلاح مرتبط بود. در بخشی از سند متمم دوم آمده است: «داشتن یک نیروی منظم شبه‌نظامی مردمی، برای امنیت یک کشور آزاد ضروری است و حق مردم برای حمل و نگهداری اسلحه، محترم شمرده می‌شود.» این مساله نشان دهنده نیاز آمریکا به نیروهای شبه‌نظامی و مسلح مردمی برای مقابله با تهدیدات گسترده علیه این کشور بوده است. طبق این سند مردم آمریکا دارای «حق حمل سلاح» هستند، اما نهاد‌های دولتی و ایالتی نیز می‌توانند قوانین

تبعیدی‌ها و زندانیان استفاده می‌کردند، زیرا به دلیل شرایط سخت مهاجرت و مقصد موردنظر بسیاری از مردم تن به سفر و سکونت به آمریکا نمی‌دادند. فاصله بین قاره اروپا و آمریکا ۴۹۰۰ مایل یا ۷۸۰۰ کیلومتر بود که باید در مدت چند هفته و با کشتی طی می‌شد. مشکل اما تنها فاصله نبود؛ سرزمین جدید به‌رغم بکر بودن فاقد امکانات بود. جاده‌ای در این مناطق وجود نداشت و خبری از حکومت، جامعه و صنعتگران نبود. به همین دلیل مردم اروپا به راحتی برای مهاجرت رضایت نمی‌دادند. باوجود این، کمبود زمین‌های کشاورزی در اروپا و مسدود شدن مسیر تجارت چین و هند به این قاره توسط امپراتوری عثمانی باعث شد برخی از مردم برای دستیابی به فرصت‌های جدید راهی آمریکا شوند.

کشورهای اروپایی نیز چنین مهاجرت‌هایی را تشویق می‌کردند، زیرا مهاجرت مردم به قاره جدید ضمن کاهش فشارهای جمعیتی روی دولت‌های اروپایی، باعث می‌شد برخی اوقات گروه‌های دارای مشکل مانند اقلیت‌های مذهبی که با دولت مرکزی یا دیگر گروه‌های کشور درگیری داشتند نیز از کشور خارج شوند. ایجاد سکونتگاه‌های جدید این امکان را به دولت‌های اروپایی می‌داد دست به تاسیس بندر و ایجاد تجارتخانه زده و تجارت طلا، نقره، مواد کشاورزی و پوست حیوانات را راه‌بندازند. کشورهای اروپایی درقبال سلاح و تولیدات صنعتی و ابزارآلات چنین مواد و کالاهایی را از بومیان آمریکا خریداری می‌کردند.

سکونتگاه‌های اروپایی نیازمند حفاظت بودند و باید برای آن فکری می‌شد. اعزام نیروهای نظامی و ایجاد پادگان در هشت‌هزار کیلومتری اروپا کار آسانی نبود و به همین دلیل سعی شد مهاجران اروپایی خود مسلح شوند، زیرا شرایط محیطی نیز اجازه استفاده از نیروهای نظامی دولتی را نمی‌داد. سرزمین جدید تقریباً وسعتی چندبرابر قاره اروپا داشت. گرچه در زمان آغاز مهاجرت‌ها، تمامی آمریکا در دستان اروپایی‌ها نبود، اما قسمت شرقی این کشور خود به‌تنهایی چندین برابر کشورهای میدا مهاجران بود. مهاجران باید به کشف سرزمین‌های جدید، انعقاد قراردادهای تجاری و گسترش زمین‌های کشاورزی می‌پرداختند و همه این اقدامات نیازمند خطوط ارتباطی طولانی بود. کاروان‌های تجاری باید توسط نیروهای نظامی اسکورت می‌شدند و گاهی برای ورود به یک سرزمین تازه باید درگیری مسلحانه شکل می‌گرفت. برخی از قبایل بومی امکان داشت مخالف ورود خارجی‌ها باشند یا نخواهند کالاهای در دست خود را با هزینه‌ای کم بفروشند. در اینجا بود که اروپایی‌ها با سلاح‌های گرم، قبایل را به شکل نظامی مغلوب می‌کردند تا در شرایط پس از جنگ آنها را مجبور به پذیرش خواسته‌هایشان کنند. دولت‌های اروپایی به همین دلیل اجازه دادند تا مهاجران مسلح شوند. حتی اگر آنها این اجازه را نیز نمی‌دادند، مهاجران با توجه به شرایط خود را مسلح می‌کردند.

پس از استقلال آمریکا در قرن هجدهم نیز سلاح‌های مهاجران علیه قدرت‌های اروپایی به کار گرفته شد. این مهاجران با نیروی نظامی سه کشور بریتانیا، فرانسه و اسپانیا درگیر بودند و به‌تلاوب در جنگ‌های محدود یا فراگیر با آنها به جنگ پرداختند. در ابتدا کشور آمریکا ارتش منظمی نداشت و دولت این کشور با کمک «ثروتمندان طرفدار استقلال» دست به جمع‌آوری نیروهای مسلح مزدور می‌زد. گروه‌هایی که احتمالاً به‌طور معمول وظیفه اسکورت کاروان‌های تجاری و کشف سرزمین‌های جدید را در آمریکا برعهده داشتند، ولی پس از استقلال، از سلاح‌های خود برای مقابله با بریتانیایی‌ها استفاده کردند. پس از آن نیز آمریکایی‌ها همچنان با خطرات تجاوزهای نظامی بریتانیا روبه‌رو بودند، به‌گونه‌ای که در سال ۱۸۱۲ ارتش بریتانیا با پیشروی از سمت کانادا وارد واشنگتن پایتخت آمریکا شده و

به ۵ هزار تن از ابتدای سال ۲۰۲۱ بر اثر تیراندازی کشته شده‌اند. در سال ۲۰۲۰ نیز ۲۰ هزار آمریکایی در جریان خشونت‌های مسلحانه جان خود را از دست دادند و ۴۰ هزار نفر دیگر نیز زخمی شدند. این آمار تمامی افراد کشته‌شده بر اثر استفاده از سلاح گرم را نشان نمی‌دهد زیرا تنها مختص به خشونت‌هاست. خشونت‌ها تنها شامل قتل و تیراندازی‌های کور می‌شود. به‌جز خشونت‌های جمعی در سال گذشته میلادی ۲۴ هزار نفر نیز با استفاده از اسلحه دست به خودکشی زده‌اند. آماري که نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۰ میلادی اسلحه گرم موجود در دست شهروندان آمریکایی جان ۴۴ هزار تن را گرفته است. آمارهای جزئی‌تر نشان می‌دهد در این سال ۳۰۰ کودک با اصابت گلوله کشته شده‌اند. همچنین بیش از ۵۱۰۰ نوجوان ۱۷ ساله و جوان نیز به‌وسیله اسلحه کشته و یا زخمی شده‌اند. این آمار و ارقام ۵۰ درصد بیشتر از تلفات کودکان و نوجوانان نسبت به سال ۲۰۱۹ است.

این افزایش در شرایطی رخ داده است که به‌خاطر تعطیلی مدارس گمان می‌رفت به دلیل کاهش تیراندازی‌ها در مدارس تلفات در این رده سنی کاهش یابد. کارشناسان افزایش ۵۰ درصدی تلفات کودکان و نوجوانان را نشانه‌ای از افزایش خودکشی‌ها و خشونت‌های خانگی در آمریکا می‌دانند. یکی دیگر از دلایل افزایش این مورد نیز به رشد سرسام‌آور فروش سلاح در آمریکا بازمی‌گردد. وقوع بحران کرونا و افزایش خشونت‌های پلیس که حتی منجر به شورش‌های سال ۲۰۲۰ در سراسر آمریکا

شد، موجب شده فروش سلاح این سال به شدت افزایش یابد. بر اساس گزارش روزنامه «واشنگتن پست» که از بررسی داده‌های فدرال به‌دست آمده است، مردم آمریکا در سال ۲۰۲۰ با خریداری ۲۳ میلیون اسلحه، رشدی ۶۴ درصد نسبت به سال قبل را رقم زده‌اند. این مساله باعث شده تا بار دیگر موضوع سلاح‌های گرم به یکی از بحران‌های اصلی آمریکا تبدیل شود.

ریشه‌های حمل سلاح

در آمریکا آزادی حمل سلاح در آمریکا به میزان زیادی ریشه در شرایط جغرافیایی و تاریخی این کشور دارد. مهاجران اروپایی در قرن هفدهم میلادی در شرایطی

مهاجرت خود به قاره آمریکا را برای ایجاد سکونتگاه‌های دائمی آغاز کردند که تنها تعدادی بندر در این قاره در دست داشتند. ساکنان بومی و قبایل سرخپوست در سراسر منطقه پراکنده بودند و اروپایی‌ها نیز برای تجارت گام به این مناطق می‌گذاشتند. اروپایی‌ها گرچه از قدرت نظامی خود برای حضور در قاره آمریکا نیز استفاده می‌کردند، اما به دلیل جمعیت کم و نیاز به برقراری ارتباط با ساکنان این قاره مجبور بودند برخی از زمین‌های موردنیازشان را از ساکنان بومی و قبایل خریداری کنند.

ایجاد سکونتگاه‌ها در سرزمین جدید با شرایط اروپا که در آن دولت‌های قدرتمندی حضور داشتند تفاوت داشت و ساختاری موجود نبود. قدرت‌های استعماری برای مستحکم کردن جای پای خود در آمریکا موافق مهاجرت مردم خود بودند و حتی برای ایجاد کلونی‌های اروپایی‌نشین گاهی از

خود را برای حمل سلاح وضع کنند. این قوانین نباید اصل را نقض کند و باید در مسیر کنترل و ایجاد قواعدی برای حمل سلاح باشد نه قانونی برای ممانعت از حق آزادی حمل سلاح.

تغییر شرایط در آمریکا

درحال حاضر وضعیت آمریکا شباهت کاملی با وضعیت قرن‌های گذشته ندارد. گرچه این کشور همچنان به دلیل وسعت زیاد، پراکندگی شهرها و روستاها، جامعه چندتکه و ورود دائم مهاجران خارجی دارای مشکلات امنیتی است و به همین دلیل همچنان دلایلی برای حمل سلاح توسط مردم این کشور وجود دارد، اما این مشکلات نه در سطح مشکلات قرون گذشته است و نه دیگر تهدیدات نظامی قدرت‌های خارجی علیه آمریکا به‌شکلی است که نیازمند مسلح بودن مردم باشد. به موازات گسترش سکونتگاه‌ها نهادسازی شکل گرفته و در تمامی مناطق حکومت‌های محلی ایجاد شده و قدرت را در دست دارند. شوراها، شهر، دادگاه‌ها و نیروهای پلیس در تمامی مناطق حتی در کم‌جمعیت‌ترین محل‌ها حضور دارند. در زمینه تهدیدات نظامی نیز دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قاره آمریکا حضور پررنگی ندارند و دو کشور بزرگ آن به‌جز آمریکا یعنی کانادا و مکزیک نیز از قدرت نظامی چندانی برخوردار نیستند و از جمله متحدان واشنگتن به حساب می‌آیند. در جهان کنونی آمریکا قدرتی بزرگ است که خود به دیگر مناطق جهان لشکرکشی می‌کند و دیگر سرزمینش مورد تهدید نیست. اگر هم خاک آمریکا مورد تهدید قرار گیرد، این کشور دارای نیروی نظامی کافی بوده و می‌تواند در مدت کوتاهی تعداد سربازان خود را افزایش دهد. به همین دلیل است که دیگر نباید قانون حمل سلاح مانند قرن‌های پیشین اجرا شود. اما واقعیت آن است که مردم آمریکا به دلیل ارزان بودن سلاح‌ها به‌شکلی گسترده مسلح هستند و طیفی از سلاح‌های خودکار و دوزن را نیز می‌توانند خریداری کنند.

تعداد سلاح‌های موجود در آمریکا

تعداد سلاح‌های موجود در دستان مردم آمریکا از جمعیت‌شان نیز بیشتر است. براساس آماري که «موسسه سلاح‌های کوچک» موسوم به «SAS» منتشر کرده است، در آمریکا به‌ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۲۰ اسلحه وجود دارد. طبق این پژوهش در سال ۲۰۱۷ در مجموع ۸۵۷ میلیون اسلحه در اختیار شهروندان جهان بوده که از این میزان، حدود ۴۶ درصد آن در اختیار مردم آمریکا قرار داشته است. این درحالی‌است که آمریکا تنها ۴/۴ درصد از جمعیت جهان را در اختیار دارد.

براساس آمارها در سال ۲۰۱۷، شهروندان اتحادیه اروپا با ۵۱۳ میلیون جمعیت، ۷۹/۸ میلیون سلاح گرم در اختیار داشته‌اند. اگر کشوری مانند روسیه به این آمار اضافه شوند، این تعداد از ۹۰ میلیون سلاح می‌گذرد. آمریکا به‌ازای هر ۱۰۰ نفر بیشترین میزان سلاح را دارد و پس از آن مونته‌نگرو با ۳۹/۱، صربستان با ۳۹/۱ و قبرس با ۳۴ در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. این کشورها

برخلاف آمریکا، کشورهای کوچک با دولت‌های نه‌چندان قوی هستند. مونته‌گرو و صربستان در منطقه ملتهب بالکان قرار دارند که سال‌ها شاهد درگیری‌های قومی بوده است. قبرس نیز شاهد درگیری میان دو بخش یونانی‌نشین و ترک‌نشین خود است و نیازمند مسلح بودن مردم. این کشورها به‌رغم آمار بالای سلاح اما همچنان کمتر از آمریکا دارای سلاح هستند. مردم دومین کشور جدول یعنی مونته‌نگرو حداقل یک‌سوم مردم آمریکا سلاح در اختیار دارند. درحالی‌که کشورشان دارای اختلافات گسترده‌ای با صربستان و صرب‌تباران است و مورد حملات نظامی رسمی و شبه‌نظامی صرب قرار

داشته است. آمریکا نه همانند کشورهای حاضر در جدول دارای درگیری است و نه حتی میزان سلاح‌های موجود در آن تناسبی با دیگر کشورها دارد، زیرا اگر آمریکا دارای مشکلاتی نیز باشد، نباید سه‌برابر بیشتر از رده‌های دوم تا چهارم جدول دارای سلاح باشد. سلاح‌های زیاد موجود در آمریکا شاید به‌شکلی عمومی ارتباط کاملی با ناامنی در آن نداشته باشد. این مساله به‌معنای نادیده گرفتن نقش ناامنی و ناآرامی‌های اجتماعی در مسلح شدن مردم نیست، بلکه نشان دهنده محرک‌های دیگر موجود در قضیه سلاح در آمریکا است. کشور آمریکا یک چهارم اقتصاد جهان را در اختیار دارد و از سرانه بالایی در جهان برخوردار است. در سایه قوانین موجود در ارتباط با آزادی حمل سلاح در آمریکا این کشور بهشت شرکت‌های سازنده سلاح‌های سبک برای فروش محصولات‌شان است.

در سال ۲۰۲۰ نیز ۲۰ هزار آمریکایی در جریان خشونت‌های مسلحانه جان خود را از دست دادند و ۴۰ هزار نفر دیگر نیز زخمی شدند. این آمار تمامی افراد کشته‌شده بر اثر استفاده از سلاح گرم را نشان نمی‌دهد زیرا تنها مختص به خشونت‌هاست.

خشونت‌ها تنها شامل قتل و تیراندازی‌های کور می‌شود. به‌جز خشونت‌های جمعی در سال گذشته میلادی ۲۴ هزار نفر نیز با استفاده از اسلحه دست به خودکشی زده‌اند.

آماري که نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۰ میلادی اسلحه گرم موجود در دست شهروندان آمریکایی جان ۴۴ هزار تن را گرفته است



در سال ۲۰۲۰ نیز ۲۰ هزار آمریکایی در جریان خشونت‌های مسلحانه جان خود را از دست دادند و ۴۰ هزار نفر دیگر نیز زخمی شدند. این آمار تمامی افراد کشته‌شده بر اثر استفاده از سلاح گرم را نشان نمی‌دهد زیرا تنها مختص به خشونت‌هاست.

خشونت‌ها تنها شامل قتل و تیراندازی‌های کور می‌شود. به‌جز خشونت‌های جمعی در سال گذشته میلادی ۲۴ هزار نفر نیز با استفاده از اسلحه دست به خودکشی زده‌اند.

آماري که نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۰ میلادی اسلحه گرم موجود در دست شهروندان آمریکایی جان ۴۴ هزار تن را گرفته است